

اقتصاد مقاومتی:

استراتژی ملی پیشرفت و توسعه

واژه اقتصاد مقاومتی نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در شهریورماه سال ۱۳۸۹ مطرح و نسبت به اجرای آن پافشاری شد؛ این واژه نه تنها در اذهان عمومی بلکه در مجامع تخصصی علمی نیز تقریباً ناشناخته بود؛ بنابراین بحث و بررسی درباره چیرستی، چرایی و تبیین ابعاد آن میان اندیشه‌وران علاقه‌مند و دلسوز کشور در دستور کار قرار گرفت؛ در این راستا مقالات و کتب مختلفی نوشته شد و سمینارهای گوناگونی درباره تعریف، مفهوم و ابعاد آن برگزار گردید و بدین ترتیب ادبیات وسیعی در خصوص اقتصاد مقاومتی شکل گرفت. همزمان فعالیت‌هایی مربوط یا نامربوط نیز در دستگاه‌های اجرایی بدون توجه کافی به عمق مطالب به اقتصاد مقاومتی نسبت داده شد تا اینکه در سال ۱۳۹۲ پیشنهاد برگزاری همایشی با عنوان «اقتصاد مقاومتی؛ ابعاد نظری (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)» به دانشگاه شهید بهشتی داده شد و برگزاری آن در دستور کار قرار گرفت. با توجه به اینکه اقدام دیگری در همین راستا در دانشگاه دفاع ملی آغاز شده بود، تصمیم گرفته شد که این دو برنامه در هم ادغام و با نام «اولین کنگره ملی اقتصاد مقاومتی» برگزار گردد که بخش نظری آن در دانشگاه شهید بهشتی متمرکز گردد و بخش عملیاتی و سیاستگذاری آن در دانشگاه دفاع ملی مدیریت شود. نتیجه این اقدام، مجموعه مقالاتی است که در حال چاپ است. تعاریف و تعبیر مختلفی از واژه «اقتصاد مقاومتی» توسط نویسندگان مختلف مطرح گردید که بسیاری از آنها به نظر می‌رسد نارسا، محدود و در مواردی نامربوط باشند. برخی از این موارد شامل «اقتصاد ریاضتی»، «اقتصاد درون‌گرا و بسته»، «اقتصاد مقاوم در برابر فشارهای خارجی» و یا «اقتصاد مقابله با تحریم» می‌باشند. درباره این تعاریف می‌توان پرسید که «اگر تحریم‌ها برداشته شود آیا الزامی برای تداوم اجرای اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟» جستجو در ادبیات خارجی گویای آن است که دو واژه مشابه با مضمون اقتصاد مقاومتی در ادبیات

معاصر وجود دارد: یکی مقاومت (Resistance) و دیگری تاب‌آوری (Resilience) می‌باشد که هر دو اخیراً از رشته‌های مختلف علوم توسط علوم اجتماعی به عاریت گرفته شده‌اند؛ مقاومت گویای استحکام، سرسختی همراه با تحمل در برابر فشار است - برای نمونه مقاومت مصالح ساختمانی؛ در حالی که تاب‌آوری گویای توان بازپروری و برگشت به وضعیت قبلی پس از بروز یک ضربه یا تکانه را نشان می‌دهد - برای نمونه یک جسم لاستیکی که پس از تحمل یک ضربه و فشار پس از مدتی به شکل نخست خود باز می‌گردد - به هر حال به نظر می‌رسد آنچه که به نام «اقتصاد مقاومتی» در کشور مطرح شده با مفهوم تاب‌آوری سازگارتر است؛ بنابراین اقتصاد مقاومتی را می‌توان به عنوان «افزایش تاب‌آوری بخش‌های مختلف اقتصادی در مقابل انواع مختلف تکانه‌ها یا مخاطرات داخلی و خارجی» تلقی نمود. این تکانه‌ها و مخاطرات را می‌توان به گروه‌های مختلف از جمله مخاطرات طبیعی و حوادث غیر مترقبه، زیست‌محیطی، انسانی، سیاسی، دسته‌بندی نمود؛ برای مثال، کاهش نرخ رشد جمعیت کشور، خشکسالی و کم‌آبی، تغییرات آب و هوایی در جهان، کاهش قیمت نفت خام، مهاجرت نیروی انسانی به شهرهای بزرگ، تحریم‌ها و تهدیدهای بین‌المللی، بحران‌های مالی و پولی داخلی و خارجی، بحران‌های سیاسی و امنیتی در کشورهای هم‌جوار از این جمله‌اند. از دید طبقه‌بندی‌های علمی و برنامه‌ریزی، اقتصاد مقاومتی می‌تواند «یک استراتژی جدید برای توسعه و پیشرفت کشور و متناسب با ظرفیت‌های داخلی جهت برون‌رفت از وضعیت نابسامان موجود» باشد؛ بنابراین اجرای آن مستلزم تدوین یک برنامه جدید و به‌کارگیری سیاست‌های مناسب برای دستیابی به آن است که نتیجه آن افزایش تاب‌آوری در سطوح فرد، سازمان، بخش و کشور خواهد بود؛ پس آنچه که در دستگاه‌های اجرایی کشور با دست‌کاری در بودجه و تغییرات جزئی در برخی از پروژه‌ها و بدون داشتن نقشه راه مشخص و هماهنگی و انسجام در سطح ملی با نام اجرای اقتصاد مقاومتی انجام شده یا می‌شود، بعید است به نتیجه مطلوبی در این راستا بینجامد. فرایند اجرای یک استراتژی را می‌توان به مراحل زیر تقسیم نمود:

۱. شناخت (رسیدن به دانش و فهم درست از آن)؛
۲. اعتقاد (داشتن باور و پذیرش قبلی درباره مفید بودن آن)؛
۳. تصمیم - برنامه‌ریزی (اقدام علمی در راستای تعیین روش‌های مطلوب برای اجرای آن)؛

۴. اجرا (عمل یا عملیاتی کردن روش‌های تعیین شده).

با توجه به مراحل مزبور، حال متوجه می‌شویم که چرا رهبر فرزانه انقلاب، سال ۱۳۹۵ را سال «اقتصاد مقاومتی - اقدام و عمل» نام‌گذاری نمودند؛ زیرا ظاهراً آنچه تا آن زمان انجام شده بود با نگاه خوش‌بینانه بیشتر شامل مراحل اولیه یک و دو در اجرای اقتصاد مقاومتی بوده و گام‌های مؤثری درباره مراحل سه و چهار انجام نشده بود. پیش از پرداختن به ادامه بحث، بایسته است درباره ضرورت به‌کارگیری استراتژی جدید (اقتصاد مقاومتی) که شاید برای انجام مراحل یک و دو نیز مفید باشد، نکاتی مطرح شود. روند پرنوسان متغیرهای کلان اقتصاد از جمله تولید ملی و نرخ رشد آن، نرخ تورم و نرخ بیکاری در سه دهه گذشته ناشی از تنش‌ها و مخاطرات داخلی و خارجی بوده و گویای تاب‌آوری ضعیف اقتصاد در مقابله با این تکان‌ها می‌باشد. روشن است که خسارت‌های اقتصادی و اجتماعی این روند بیشتر از آن است که به‌سادگی قابل محاسبه باشد؛ در این راستا تدوین‌کردن سیاست‌های لازم و مفید در برنامه‌های توسعه، استفاده‌نکردن کامل از ظرفیت‌های علمی و اجرایی کشور در مدیریت اقتصاد، نگرش‌های دولتی، جناحی، منطقه‌ای یا بخشی در مقامات دولت منجر به کاهش بیشتر در تاب‌آوری اقتصادی شده است. همه موارد بالا منجر به شرایطی در اقتصاد کشور گردیده که امکان پیش‌بینی نسبتاً دقیق نسبت به آینده و مخاطرات آن را از دسترس مردم، سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان، واردکنندگان، مصرف‌کنندگان و ... خارج نموده است. طبیعی است در این شرایط هیچ‌گونه اقدام اقتصادی درست، قابل اطمینان و پایدار از طرف عامل‌های اقتصادی - که بیشتر ریسک‌گریز هستند - انجام نخواهد شد و تنها افراد ریسک‌پذیر - یا مرتبط با مراکز تصمیم‌گیری برای کاهش ریسک - هستند که به سفته‌بازی دست می‌زنند. در این انحراف بزرگ در رفتار اقتصادی باید منتظر بروز انواع فساد و نابسامانی‌های اجتماعی، دست‌اندازی به اموال مردم و بیت‌المال، قاچاق، رشوه، حقوق‌های نجومی، زمین‌خواری و ... باشیم؛ آیا تداوم این شرایط با وجود فشارهای اقتصادی و سیاسی خارجی برای جامعه قابل تحمل است؟

برای حل ریشه‌ای این وضعیت، بایسته است تغییرات و اصلاحات ساختاری عمیقی در همه نهادهای اقتصادی و فرهنگی کشور انجام شود و بنابراین اقتصاد مقاومتی را باید گام

اساسی و درستی در این راستا تلقی نمود؛ به عبارت دیگر داشتن برنامه‌ای صحیح برای مقابله با مخاطرات و تکانه‌های پیش رو و افزایش تاب‌آوری اقتصادی نخستین اقدام و امری بدیهی، فطری و اقتصادی می‌باشد؛ - برای مثال پدیده مقابله با مخاطرات و ریسک را می‌توان در خرید بیمه‌نامه خودرو توسط افراد ملاحظه نمود - با توجه به گستردگی ابعاد آن، اجرای اقتصاد مقاومتی و رسیدن به تاب‌آوری از حوزه اقتصاد فراتر رفته و عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی را شامل می‌شود. همچنین برای اجرای این استراتژی باید در سطوح مختلف فرد، خانواده، بنگاه‌های اقتصادی، نهادها و سازمان‌های خصوصی و دولتی برنامه داشته باشیم - زیرا گفته شده است که جامعه تاب‌آور نیاز به افراد تاب‌آور دارد - روشن است که تدوین، اجرا و پایش چنین برنامه‌ای که دارای ابعاد کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت می‌باشد، خارج از ظرفیت کارشناسی و اجرایی دولت که طی سال‌های اخیر به شدت تضعیف شده، می‌باشد - به‌ویژه اینکه دولت‌ها برای یک دوره محدود انتخاب شده و تلاش می‌کنند به شعارهای انتخاباتی خود پایبند باشند - بنابراین دولت می‌تواند با بسیج عمومی همه افراد کشور در این راستا ستادی برای هماهنگی بوده و طبیعتاً بخشی از اجرا را به عهده بگیرد - و نه ستادی که همه اعضای آن از کارگزاران دولتی باشند - با توجه به پیچیدگی مباحث و در جهت تسهیل فرایند اجرای اقتصاد مقاومتی، رهبر معظم انقلاب در تاریخ بهمن ۱۳۹۲ محورهای اصلی استراتژی جدید توسعه اقتصادی کشور را در ۲۴ بند ابلاغ فرمودند که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به گفتمانی فراگیر - برای رسیدن به یک همدلی ملی و عزم ملی و آمادگی برای بسیج ملی -
- فعال‌سازی کلیه امکانات، منابع مالی و سرمایه‌های انسانی کشور جهت توسعه کارآفرینی (حرکت به سمت افزایش تولید ملی و اشتغال با سازوکارهای لازم برای استفاده از ظرفیت‌های بلااستفاده مالی، فیزیکی و انسانی در کوتاه‌مدت)؛
- تأکید بر اقتصاد دانش‌بنیان - برای استحکام بخشی به تولید ملی در جهت نوآوری و رقابت در صحنه بین‌المللی در میان‌مدت - می‌دانیم که تولید به دو صورت افزایش می‌یابد: یکی افزایش عوامل یا نهادهای تولید و دیگری افزایش بهره‌وری نهادهای تولید. در شرایطی که افزایش عوامل یا نهادهای تولید با محدودیت

روبه‌روست، به‌کارگیری بهتر نهاده‌ها و یا افزایش بهره‌وری آنها می‌تواند منجر به افزایش تولید گردد. همچنین می‌دانیم که بهره‌وری عوامل تولید توسط سطح تکنولوژی یا فناوری تولید در جامعه تعیین می‌شود. به بیان ساده «تکنولوژی تولید» عبارت است از «شیوه به‌کارگیری عوامل تولید»؛ بنابراین بالابردن تکنولوژی تولید - و یا بهره‌وری تولید - مستلزم ابداع روش‌ها و شیوه‌های جدیدی است که با همان مقادیر نهاده‌ها به مقدار محصول بیشتر یا بهتری (کیفیت بالاتر) بینجامد. رسیدن به این امر مستلزم شناخت کامل و علمی فرایند تولید و ابداع روش‌های جدید توسط پژوهشگران است؛ بنابراین هرچه سهم استفاده از فناوری و شیوه‌های جدید در تولید، بیشتر شود، روشن است که تولید و در نتیجه اقتصاد بیشتر مبتنی بر دانش (دانش‌بنیان) خواهد بود. از سوی دیگر این ابداعات و اختراعات که منجر به بهبود تکنولوژی و شیوه‌های تولید می‌شود، امروزه خود دارای بازار داخلی و بین‌المللی بوده و قابل خرید و فروش می‌باشند؛ بنابراین با توجه به سرمایه انسانی و ظرفیت دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور انجام این امور خارج از دسترس نمی‌باشد.

- اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور که شامل بازار پول و سرمایه می‌باشد. تلاش در جهت هرچه واقعی‌تر کردن بازار سرمایه و همچنین تلاش برای اصلاح نظام پولی و بانکی کشور و تطابق آن با قوانین مربوطه و فعال کردن بانک مرکزی در راستای وظایف خود می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

- مدیریت مصرف و به بیان دیگر اصلاح الگوی مصرف جامعه در جهت مصرف صحیح (بدون اسراف) و تأکید بر فرهنگ استفاده از تولید ملی باید در سطح خانوار، بنگاه‌ها و دولت در دستور کار قرار گیرد. اصلاح الگوی مصرف یک فرایند کوتاه‌مدت نیست و لازم است تلاش‌ها به صورت همزمان در سطوح مختلف خردسالی - و در سطح مدرسه - نوجوانی و جوانی و ... آغاز شود. در این فرایند، علاوه بر عوامل فرهنگی مشتمل بر شیوه زندگی و عادات، سیاست واردات، قیمت‌گذاری کالاها و همچنین توزیع درآمد در جامعه نیز مؤثر است و

باید به آن توجه نمود. شایان گفتن نیست که بخشی از مشکلات تقاضا و مصرف در جامعه امروز کشور متأثر از توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه است.

- صرفه‌جویی در هزینه‌های غیر ضروری را می‌توان جزء روش‌های مدیریت مصرف در نظر گرفت.

همچنین در راستای حصول و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ابلاغیه مقام معظم رهبری به محورهای زیر اشاره شده است:

- تکیه بر دانش، خلاقیت و نوآوری جوانان و فرهیختگان این سرزمین برای ارتقای دانش پایه‌گی اقتصاد و تولید.

- تکیه بر مردم که همان بسیج عمومی برای اجرای اقتصاد مقاومتی است و تأکید بر اینکه دولت نمی‌تواند به تنهایی به آن دست یابد. به عبارت دیگر استفاده از نیروی فیزیکی و فکری مردم، سرمایه مردم و تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی مردم یک ضرورت اجتماعی و سیاسی برای نظام مردم‌سالار دینی است.

- تکیه بر ارزش‌های دینی و فرهنگی جامعه برای ایجاد همدلی، هم‌زبانی، همفکری و همکاری در راستای رسیدن به اهداف بلند نظام جمهوری اسلامی ایران بایسته است. تجربه انقلاب اسلامی و سال‌های پس از آن نشان می‌دهد که هرگونه بسیج عمومی حول محور ارزش‌ها موفق و تأثیرگذار بوده است.

- تکیه بر منابع و ظرفیت‌های مالی، انسانی و علمی داخلی: همچنان‌که می‌دانیم این امر موجب نفی استفاده از ظرفیت‌های خارجی در زمینه‌های فوق نمی‌باشد؛ ولی باید به این اصل کلی پذیرفته‌شده توجه داشت که تکیه بر منابع خارجی در هر شرایط موجب کاهش تاب‌آوری اقتصاد می‌گردد.

یکی از نظریات مطرح‌شده در زمینه اجرای اقتصاد مقاومتی یا افزایش تاب‌آوری اقتصادی این است که این کار باید در دو مرحله انجام شود: مرحله نخست اصلاح ساختارها و فرایندهای موجود در بخش‌های مختلف مرتبط با اقتصاد کشور و مرحله دوم تلاش برای افزایش تاب‌آوری آن است؛ برای مثال تزریق واکسن سرماخوردگی موجب افزایش تاب‌آوری و مقاومت بدن بیمار در مقابل این بیماری می‌گردد؛ ولی آیا می‌توان این واکسن را برای فردی که خود دچار بیماری یا بیماری‌های گوناگون است تزریق کرد؟

عموماً این واکسن وقتی به فرد تزریق می‌شود که فارغ از بیماری باشد؛ بنابراین برای واکسیناسیون یک اقتصاد بیمار نیز فرایندی دومارحله‌ای ضروری می‌باشد. در همین موضوع نظریه دیگری بیان می‌کند که اهداف اجرای اقتصاد مقاومتی علاوه بر افزایش تاب‌آوری آن، سالم‌سازی همزمان فرایندها و سازوکارهای درونی آن نیز می‌باشد؛ بنابراین تدوین برنامه لازم برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مستلزم اصلاح ساختاری اقتصاد نیز می‌باشد؛ برای مثال فرض کنید که تصمیم گرفته‌ایم هواپیمایی را که در حال پرواز است، دچار نقص فنی شده و افزون بر احتمال سقوط از مسیر نیز منحرف شده و نمی‌تواند به مسیر اصلی خود برگردد، تعمیر کنیم؛ روشن است تعمیر هواپیمایی در حال پرواز، افزون بر دقت و ظرافت‌های مخصوص به خود نه‌تنها از سقوط پیشگیری می‌کند، بلکه هواپیما نیز به مسیر اصلی خود باز می‌گردد؛ بنابراین می‌توان این دو مرحله را تلفیق و علاوه بر سالم‌سازی از اثرات سوء مخاطرات احتمالی نیز پیشگیری نمود.

اقدامات انجام‌شده در راستای اجرای اقتصاد مقاومتی در سازمان‌های عمومی و خصوصی تاکنون به‌گونه‌ای نبوده است که از سوی مردم و در زندگی آنها احساس شود. شاید این احساس ناشی از حجم بسیار محدودی از فعالیت‌ها توسط دولت - آن هم بدون کمک‌خواستن از مردم - پراکندگی و ناهماهنگی و هدف‌گذاری مشخص و به‌ویژه اولویت‌بندی فعالیت‌ها - با فرض وجود یک نقشه راه - بوده است؛ در نتیجه مقام معظم رهبری برای سرعت‌بخشیدن به فرایند اجرا سال ۱۳۹۶ را سال «اقتصاد مقاومتی: تولید - اشتغال» نام‌گذاری فرمودند. همچنان‌که در ادبیات اقتصاد مقاومتی مطرح شده، یکی از پیش‌نیازهای اصلی موفقیت، داشتن یک اولویت‌بندی و زمان‌بندی در اجرا و مدیریت صحیح پروژه‌ها می‌باشد. روشن است که وجودنداشتن یک اولویت‌بندی در اجرای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی منجر به تعیین تولید و اشتغال به عنوان اولویت اصلی در این شرایط توسط مقام معظم رهبری گردید که امید می‌رود اجرای دقیق آن در دستور کار همه مسئولان و مردم قرار گیرد.

عباس عرب‌مازار

تیرماه ۱۳۹۶